

**فروش ۲۲۰ میلیونی**  
**«صد اثر صد هنرمند» در ۱۸ روز**

**نگاره**

بیست و چهارمین صد اثر صد هنرمند در حالی به استقبال آخرین جمعه خونی رود که تا به حال ۷۶ اثر را در مجموع ۲۲۰ میلیون تومان فروخته است. گران‌ترین آثار فروخته شده در صد اثر بیست و چهارم تا این لحظه به سید محمد احصایی با ۳۰ میلیون تومان و مسعود عرشاوی ۲۸ میلیون تومان اختصاص یافته است، این در حالی است که ۲۰۰ هزار تومانی نیز در این نمایشگاه فروخته شده که ارزان‌ترین فروش این دوره است. این نمایشگاه تا ۲۷ مرداد از ساعت ۱۶ تا ۲۰ در گالری گلستان به نشانی دروس، خیابان کماسایی، شماره ۳۴ برپا خواهد بود.

تازه‌ترین مجموعه عکس‌های «هرام گوه‌ری» جمعه ۲۲ مرداد ماه  
ساعت ۱۷ تا ۲۱ در گالری شکوه واقع در خیابان فرمانیه، بلوار اندرزگو،  
خیابان امیرنوری، شماره ۱۹ رومانی، که شود تا ۵ شهریور برقرار است.

**■ رونمایی کتاب صوتی «چنین گفت زرتشت»**

«چنین گفت زرتشت»، اثر معروف نیچه را داریوش  
آشوری به فارسی ترجمه کرده و نشر آگه به چاپ  
آشوده است. مؤسسه نوین کتاب گویا این اثر را با  
روایتگری افشین دهلایی و انگسازی حمیدرضا  
براقچیان تولید و منتشر کرده است. این اثر در قالب  
دلوخ فشرده و مدت زمان ۱۶ ساعت و ۵ دقیقه منتشر شده است.  
آیین رونمایی از این اثر پنجشنبه ۲۱ مرداد از ساعت ۱۶ در مؤسسه  
فرهنگی هنری مکتب تهران واقع در خیابان کریم‌خان زند، خیابان آبان  
جنوبی (عضد)، کوچه بویان، شماره ۸ برگزار می‌شود.

**■ دیدار و گفت‌وگو با «کریستوفر دیولگ»**

نشست دیدار و گفت‌وگو با «کریستوفر دیولگ»، روزنامه‌نگار انگلیسی،  
پنجشنبه ۲۱ مرداد از ساعت ۵ صبح در کتابفروشی آینده واقع در  
خیابان ولیعصر، سه راه زعفرانیه، خیابان عارف نسب، شماره ۱۲  
برگزار می‌شود.

سال هاست «چموش» که کاپلاز بسیاری از مردم گیلان زمین بود، به صورت تزئینی در آمده و در بازار شهر ماسلو بختی سوغاتی به فروش می رسد و تنها این «کلاش» سرزمین زیبای کردستان و اورامانات است که هنوز بافته شده یعنی قابلیت صادرات به مناطق کردنشین دیگر کشورها را پیدا کرده است، علاوه بر سلامت و راحتی این پای شوی، حفظ طبیعت و مددکاری بومی و حفظ آثار و ارزش «اورامان» یا «هورامان» که پایوه و میروان و آن حوالی بیفند، شاهد خواهید بود که کلاش سن و سال دارها و برخی از جوانان کلاش به دارند و با این کار خود، حامی تولیدات محلی و بومی بوده و حفظ هویت تاریخی خود را می نمایند. حتماً تصویری کنید گرانده «ماخلق الله» اش «بنده نمود» و اختلال مشاعر پیدا کرده است که در روزگار حرف از گیوه و کلاش و چراق، آن هم در شهرها را بزرگ می زند؟ نگاهی به برخی از کشورهایی که هویت و مذهب و فرهنگ و آداب و عادات با تصدق گرفتار بر اینان آشکار شود، «سریندی» که مردم کشور عمان از مالی و دانی گرفته تا طرف عادی به مکر می بندند، آن گیوه یا نشان دهنده فرهنگ این کشور کوچک نیست؟ کدام عرب را سراغ دارید که در مجامع بین المللی بدون چپیه و عقال ظاهر شود؟ پاکستانی ها با لباس بلند خود و افغان ها با لباس های محلی شان به این سو آن سوی دنیا می روند و در مراسم رژه المپیک، همواره بر پوشیدن لباس بومی و ملی خود تأکید دارند. بنده می خواهم تازه استفاده از استقلال یافته ترکمنستان و تاجیکستان نیز چنین می کنند و ما سال هاست چرم معدودی از استان های کشورمان، آذربایجان را ناظر پوشیدن لباس و کفش ملی نیستیم؟! کردها یا «چوارخانک» و لرها و بختیاری ها یا «دبیت» شان، هنوز در پی حفظ هویت اند، و اگر مردم گیلانی «بنیمته» و حلبقه و کلاه نمسی به سر نمی گذار و زنان آنری و قاسم آبادی، آنر شلیته های بلند و رنگارنگ استفاده نمی کنند و زنان مازنی (بنده مندل) و چاقد را با هم به سر نمی بندند و دستار بر سر و شال بر کمر، تا حدود زیادی رفته اند و ما نیز زنجان، آملی یا کسی را «چراق» به پای نمی کند؟ گیوه، این پایوش دوست داشتنی، از ملکی و شهری، آجید و کرمانشاهی گرفته تا «سینجانی» یا رویه بافته شده از پنبه به عمل آمده در کشورمان و تخت چرمی و یا پارچای - که به شکل کوبیده و محکم در زیر آن قرار می گرفت - در همین سرزمین به عمل می آمد، باعث راحتی «قلب دوم» می، سرودن روزگاری نیست که برای «عزم را خرم نمونی» می گفتند: «پشت گیوه هایت را بر و کش» و به دنبال کار و زندگی بروی ای پشت گیوه، ما بدن جن، تا نبوی» بهش بسوزی و علت آن بود که خیس نموده باشند گیوه به سهولت به داخل پا می رفت و با خشک شدن آن، چسب چفت یا می شد و مثل کش های تخت لاسیتی فعلی، در پا لولق نمی خورد تا مجبور باشیم «بندهایش» را محکم کنیم و از آنجا که گیوه چپ و راست ندارند و «تا به تا» رنگ به رنگه می نگه» می شود، در هر حالتی می توانیم آن را به پا کنیم بدون به سهولت به کار و زندگی بر سریم. شاید سخی به گراف باشد، کجارت چرم همدانی ما، چه شدند کش های دوخته گیوه در دیزیر و از دریاچیان؟ چرم بد (امیشن) خراسان چه شد؟ و اصلاً چرا به جای کفش وطنی و طرح های ملی و بومی، از طرح های فرنگی استفاده می کنیم؟

**نارین قلعه مید؛ سازه ۷ طبقه اشکانی**

شاخص‌ترین اثر بازمانده از شهرسازی قدیم در مید بنای باستانی نارین قلعه است. نارین قلعه یا کهن دژ مید بر فراز تپه‌ای بلند بنا شده و بر ترمای شهر مید و پیرامون آن دید دارد. این کهن دژ خشتی که مردم مید آن را «نارین قلعه» می‌خوانند، در گذشته به «دژ دالان» معروف بود و پیشینیان آن را یکی از نخستین مراکز سکونت انسان در استان یزد می‌دانستند. بنای اصلی این قلعه ۳ هکتاری در ۷ طبقه ساخته شده و دارای برج و بارو و دربندهای متعدد است. براساس اسناد موجود ساخت اولیه این کهن دژ در دوران اشکانیان صورت گرفته است و البته در دوران آل مظفر تعمیراتی در آن صورت گرفته است. نارین قلعه برج که بلند دارد و البته هنوز امروز از این کهن دژ باقی مانده قسمت مرکزی آن است. نارین قلعه اتاقی متعدد دارد که بسیاری از آن‌ها به تیر و پلته‌ها تقسیم شده و طبقات پایین و ریختن راهروها هنوز کشف نشده است. برخی این قلعه ساخته شده از خشت و گل را همان دژ سفید شاهنامه می‌دانند.

سال هاست «چموش» که کاپلاز بسیاری از مردم گیلان زمین بود، به صورت تزئینی در آمده و در بازار شهر ماسلو بختیاری سوختنی به فروش می رسد و تنها این «کلاش» سرزمین زیبای کردستان و اورامانات است که هنوز بافته شده یعنی قابلیت صادرات به مناطق کردنشین دیگر کشورها را پیدا کرده است، علاوه بر سلامت و راحتی این پای سوختنی، حفظ طبیعت و مددکاری بومی و حفظ آثار و ارزش های «اورامان» یا «هورامان» و پایوه و میروان و ... حوالی بیفند، شاهد خواهید بود که کلاش سن و سال دارها و برخی از جوانان کلاش به دارند و با این کار خود، حامی تولیدات محلی و بومی بوده و حفظ هویت تاریخی خود را می نمایند. حتماً تصویری کنید گرانده «ماخلق الله» اش «بنده نموده» و اختلال مشاعر پیدا کرده است که در روزگار حرف از گیوه و کلاش و چراق، آن هم در شهرها را بزرگ می زند؟ نگاهی به برخی از کشورهایی که هویت و مذهب و فرهنگ و آداب و عادات با تصدق گرفتار بر اینان آشکار شود، «سریندی» که مردم کشور عمان از مالی و دانی گرفته تا طرف عادی به کمر می بندند، آن گیوه یا نشان دهنده فرهنگ این کشور کوچک نیست؟ کدام عرب را سراغ دارید که در مجامع بین المللی بدون چپیه و عقال ظاهر شود؟ پاکستانی ها با لباس بلند خود و افغان ها با لباس های محلی شان به این سو آن سوی دنیا می روند و در مراسم رژه المپیک، همواره بر پوشیدن لباس بومی و ملی خود تأکید دارند. بنده می شناسم کشاورزانی از استان اصفهان را که ترنمستان و تاجیکستان نیز چنین می کنند و ما سال هاست چرخ معدودی از استان های کشورمان، تازه استقلال یافته و ناظر پوشیدن لباس و کفش ملی نیستیم؟! کردها یا «چوارخانک» و لرها و بختیاری ها یا «دبیت» شان، هنوز در پی حفظ هویت اند، و اگر مردم گیلانی «بنمته» و حلیقه و کلاه نمادی به سر نمی گذارند و زنان آن دی و قاسم آبادی، در شلیته های بلند و رنگارنگ استفاده نمی کنند و زنان مازنی (بنده مندل) و چاقد را با اهام به سر نمی بندند و دستار بر سر و شال بر کمر، تا حدود زیادی رفته اند و ما نیز زنجان، آملی یا کسی را «چراق» به پای نمی کند؟ گیوه، این پایوش دوست داشتنی، از ملکی و شهری، آجید و کرمانشاهی گرفته تا «سینجانی» یا رویه بافته شده از پنبه به عمل آمده در کشورمان و تخت چرمی و یا پارچای - که به شکل کوبیده و محکم در زیر آن قرار می گرفت - در همین سرزمین به عمل می آمد، باعث راحتی «قلب دوم» می، سرودن روزگاری نیست که برای «عزم را خرم نمونی» می گفتند: «پشت گیوه هایت را بر و کش» و به دنبال کار و زندگی بروی ای پشت گیوه، ما بدن جنن تا با بونوی بهش بسوزی و علت آن بود که خیس نموده باشند گیوه به سهولت به داخل پا می رفت و با خشک شدن آن، چسب چفت یا می شد و مثل کش های تخت لاستیکی فعلی، در پا لایق نمی خورد تا مجبور باشیم «بندهایش» را محکم کنیم و از آنجا که گیوه چپ و راست ندارند و «تا به تا» رنگه به رنگه می شود، در هر حالتی می توانیم آن را به پا کنیم به سهولت به کار و زندگی بر سریم. شاید چرم، جگراف باشد، جگرافت چرم همدانی ما، چه شدند کش های دوخته گیوه در دیزیر و از دریاچیان؟ چرم بد (امیشن) خراسان چه شد؟ و اصلاً چرا به جای کفش وطنی و طرح های ملی و بومی، از طرح های فرنگی استفاده می کنیم؟

**نارین قلعه مید؛ سازه ۷ طبقه اشکانی**

شاخص‌ترین اثر بازمانده از شهرسازی قدیم در مید بنای باستانی نارین قلعه است. نارین قلعه یا کهن دژ مید بر فراز تپه‌ای بلند بنا شده و بر ترمای شهر مید و پیرامون آن دید دارد. این کهن دژ خشتی که مردم مید آن را «نارین قلعه» می‌خوانند، در گذشته به «دژ دالان» معروف بود و پیشینیان آن را یکی از نخستین مراکز سکونت انسان در استان یزد می‌دانستند. بنای اصلی این قلعه ۳ هکتاری در ۷ طبقه ساخته شده و دارای برج و بارو و دربندهای متعدد است. براساس اسناد موجود ساخت اولیه این کهن دژ در دوران اشکانیان صورت گرفته است و البته در دوران آل مظفر تعمیراتی در آن صورت گرفته است. نارین قلعه برج که بلند دارد و البته هنوز امروز از این کهن دژ باقی مانده قسمت مرکزی آن است. نارین قلعه اتاقی متعدد دارد که بسیاری از آن‌ها به تیر و پلته‌ها تقسیم شده و طبقات پایین و ریختن راهروها هنوز کشف نشده است. برخی این قلعه ساخته شده از خشت و گل را همان دژ سفید شاهنامه می‌دانند.